

# مدیریت ریسک اعتباری در نظام بانکی رویکرد مقایسه ای تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی

نویسندگان: دکتر سعید صفری<sup>۱</sup>، مرضیه ابراهیمی شقاقی<sup>۲\*</sup> و مرتضی طاهری فرد<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه مدیریت صنعتی دانشگاه شاهد

۲. عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

۳. کارشناس ارشد مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران

\*Email : marzi.ebrahimi@gmail.com

## چکیده

این مقاله با هدف شناسایی عوامل موثر بر ریسک اعتباری و ارائه مدلی جهت پیش بینی ریسک اعتباری و رتبه بندی اعتباری مشتریان حقوقی متقاضی تسهیلات یک بانک تجاری، با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی و مقایسه این دو مدل انجام گرفته است. بدین منظور بررسی های لازم بر روی اطلاعات مالی و غیر مالی با استفاده از یک نمونه ۱۴۶ تایی تصادفی ساده از مشتریان حقوقی متقاضی تسهیلات، صورت گرفت. در این پژوهش، ۲۷ متغیر توضیح دهنده شامل متغیرهای مالی و غیر مالی مورد بررسی قرار گرفت که از بین متغیرهای موجود نهایتاً با استفاده از تکنیک تجزیه و تحلیل عاملی و قضاوت خبرگان (روش دلفی)، ۸ متغیر تاثیرگذار بر ریسک اعتباری انتخاب گردید که وارد مدل تحلیل پوششی داده ها شده و امتیازات کارایی شرکت های حقوقی با استفاده از آنها بدست آمد. همچنین متغیرهای انتخابی به عنوان بردار ورودی شبکه عصبی پرسپترون ۳ لایه وارد مدل شد. نتایج حاصل از مدل تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی در برآورد ریسک اعتباری و رتبه بندی اعتباری در مقایسه با نتایج واقعی حاکی از آنست که مدل شبکه عصبی در پیش بینی ریسک اعتباری مشتریان حقوقی و رتبه بندی اعتباری آنها از کارایی بیشتری برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** ریسک اعتباری<sup>۱</sup>، مدیریت ریسک اعتباری<sup>۲</sup>، کارایی<sup>۳</sup>، رتبه بندی اعتباری<sup>۴</sup>، تحلیل پوششی داده ها<sup>۵</sup>، شبکه عصبی<sup>۶</sup>.

## دانشور

رئیس

مدیریت و پیشرفت

Management and Achievement

• دریافت مقاله: ۸۸/۴/۱۳

• پذیرش مقاله: ۸۹/۹/۳۰

Scientific-Research  
Journal of  
Shahed University  
Eighteenth Year  
No. 47-2  
Jun.Jul.2011

دوماهنامه علمی - پژوهشی  
دانشگاه شاهد  
سال هجدهم - دوره جدید  
شماره ۲-۴۷  
تیر ۱۳۹۰

<sup>1</sup> Credit Risk

<sup>2</sup> Credit Risk Management

<sup>3</sup> Efficiency

<sup>4</sup> Credit Rating

<sup>5</sup> Data Envelopment Analysis(DEA)

<sup>6</sup> Neural Network(NN)

## ۱- مقدمه

ارتباط صحیح بین نظامهای مالی و تولیدی در هر کشوری از مهم ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی محسوب خواهد شد. بانکها به عنوان بخش اصلی نظام مالی نقش اصلی را در تامین مالی بخشهای تولیدی تجاری و مصرفی و حتی دولتی به عهده خواهد داشت (۱). در ایران نیز با توجه به ساختار اقتصادی کشور و به دلایلی هم چون عدم توسعه بازارهای سرمایه و سایر شبکه های غیر بانکی و قراردادی تامین مالی بخشهای واقعی اقتصاد بر عهده شبکه بانکی کشور است.

بنابراین بانکها در صدد اعطای تسهیلات خود به شرکتهایی هستند که ضمن برخورداری از ریسک پایین بتوانند بازده متناسب با سود تسهیلات اعطایی را داشته باشند. این امر زمانی محقق می گردد که بانکها قادر به شناسایی مشتریان اعتباری خود اعم از حقیقی و حقوقی بوده و بتوانند آنها را براساس توانایی و تمایل نسبت به بازپرداخت کامل و به موقع تعهدات با استفاده از معیارهای مالی و غیر مالی مناسب، طبقه بندی نمایند زیرا تحت چنین سیستمی تسهیلات به متقاضیانی اعطا می شود که از ریسک اعتباری کمتری برخوردار بوده و احتمال بازپرداخت بدهی آنها در موعد مقرر بیشتر است. با توجه به اینکه این وجوه می توانند به عنوان منبع مالی جهت اعطای تسهیلات بعدی مورد استفاده قرار گیرند، لذا نقش بسیار مهمی در افزایش سرمایه گذاری، رشد و توسعه اقتصادی کشور دارند (۲).

در بازاری که حاشیه سود بانکها به دلیل تشدید رقابت همواره در حال کاهش بوده و همواره فشاری برای کاهش بیشتر هزینه ها احساس می شود. مدلهای ریسک اعتباری با پیش بینی زیانهای عدم بازپرداخت وامها نوعی برتری نسبی برای بانکها و نهادهای اعتباری ایجاد خواهد کرد. مدلهای ریسک اعتباری با اندازه گیری ریسک می توانند با ایجاد ارتباط بخردانه ای بین ریسک و بازده امکان قیمت گذاری داراییها را فراهم سازد. هم چنین مدلهای ریسک اعتباری امکان بهینه سازی ترکیب پرتفوی اعتباری و تعیین سرمایه اقتصادی بانکها برای کاهش هزینه های

سرمایه ای را فراهم خواهد ساخت (۳). در این مقاله سه سوال اساسی محوریت مقاله را تشکیل می دهد:

- ۱ - مهمترین شاخصهای مالی و غیر مالی تاثیر گذار بر ریسک اعتباری کدامند؟
- ۲- آیا تحلیل پوششی داده ها به عنوان یکی از متدهای آمار ناپارامتریک از کارایی لازم جهت رتبه بندی اعتباری و تخمین ریسک اعتباری برخوردار است؟
- ۳- آیا مدل شبکه عصبی به عنوان یکی از متدهای آمار پارامتریک از کارایی لازم جهت برآورد ریسک اعتباری و رتبه بندی اعتباری مشتریان برخوردار است؟
- ۴- در مقایسه دو مدل تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی کدامیک کاراترند؟

در این پژوهش ابتدا پیشینه ای از بررسی های صورت گرفته در زمینه ریسک اعتباری ارائه شده است. در بخش بعد به اختصار متدولوژی بکاررفته در پژوهش مطرح گشته و سپس مدل تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی اجرا گشته اند. در نهایت در بخش پایانی مقاله یافته های پژوهش و پیشنهادها برای استقرار سیستم اندازه گیری و مدیریت ریسک اعتباری در نظام بانکی کشور ارائه شده است.

## ۲- پیشینه پژوهش

اعتبارسنجی به معنای ارزیابی و سنجش توان بازپرداخت متقاضیان وام و تسهیلات مالی و احتمال عدم بازپرداخت اعتبارات دریافتی از سوی آنها می باشد. طراحی مدلی برای اندازه گیری و درجه بندی ریسک اعتباری برای نخستین بار در سال ۱۹۰۹ توسط جان موری بر روی اوراق قرضه انجام شد (۴).

در سال ۱۹۶۶ برای تعیین ورشکستگی شرکتهای مدل رگرسیون لجستیک توسط بی وری<sup>۱</sup> به کارگرفته شد (۵). بعدها از این مدل برای اندازه گیری ریسک اعتباری اوراق قرضه منتشره شرکتهای استفاده شد. یکی دیگر از مطالعات انجام شده در زمینه اندازه گیری ریسک اعتباری اوراق قرضه شرکتهای با استفاده از مدل نمره دهی چند متغیره،

<sup>1</sup>Beaver

گشته است. دیسای و همکارانش<sup>۱۵</sup> در سال ۱۹۹۶ به بررسی تواناییهای شبکه های عصبی و تکنیکهای آماری متداول نظیر آنالیز ممیزی خطی<sup>۱۶</sup> و آنالیز رگرسیون خطی<sup>۱۷</sup> در ساخت مدل‌های امتیازدهی اعتباری، پرداخته اند(۱۲). همچنین وست<sup>۱۸</sup> در سال ۲۰۰۰ به بررسی مدل‌های کمی که به طور معمول در صنعت اعتباری مورد استفاده قرار می‌گیرند پرداخت. نتایج حاصله بیانگر این بود که شبکه های عصبی قادر به بهبود دقت امتیاز دهی می‌باشند. آنان همچنین بیان نمودند که آنالیز رگرسیون خطی جایگزین بسیار خوبی برای شبکه های عصبی است در حالیکه درخت تصمیم<sup>۱۹</sup> و مدل نزدیکترین همسایه<sup>۲۰</sup> و آنالیز ممیزی خطی نتایج نوید بخش و دلگرم کننده ای ایجاد نکرده اند(۱۳).

شبکه عصبی معمولاً به عنوان یک تکنیک جعبه سیاه بدون توضیحات منطقی و قانونمند برای تخمین ورودی-خروجی در نظر گرفته می‌شود، به بیان دیگر نقطه ضعف مهم بکارگیری شبکه های عصبی در امتیازدهی اعتباری، مشکل بودن توضیح اصول نهفته جهت تصمیم‌گیری در مورد درخواستها و تقاضاهای رد شده است(۱۴). یانگ و پلات<sup>۲۱</sup> نیز بیان داشتند که آنچه در یک مدل شبکه عصبی دارای اهمیت است آنست که وزنهای موجود در شبکه های عصبی به روش بهینه ای برآورد شوند. بدیهی است که پس از تعیین وزنهای به روش بهینه با دادن بردار متغیرهای ورودی به سهولت میتوان بردار خروجی را برآورد کرد. (۱۵). از جمله مطالعات دیگر در این زمینه می‌توان به پژوهش برینانت<sup>۲۲</sup> در سال ۲۰۰۱ جهت بکارگیری سیستم خبره ارزیابی وامهای کشاورزی (۱۶)16، لی و همکارانش<sup>۲۳</sup> در سال ۲۰۰۲ برای ادغام شبکه عصبی و تجزیه و تحلیل ممیزی(۱۷)، لی و چن<sup>۲۴</sup>

توسط آلتمن<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۸ انجام گرفت و به مدل نمره<sup>۲</sup> Z شهرت یافت(۶). مدل نمره Z آلتمن یک مدل تحلیل ممیزی است که با استفاده از مقادیر نسبت‌های مالی مهم می‌کوشد تا شرکت‌های ورشکسته را از شرکت‌های غیر ورشکسته تمییز دهد(۷). ساندرز و آلن<sup>۳</sup> از این مدل برای پیش بینی ریسک اعتباری وام گیرندگان استفاده نموده و به این نتیجه رسیدند که این مدل از قدرت بالایی جهت پیش بینی ریسک اعتباری برخوردار است(۸). در اواخر ۱۹۷۰ مدل‌های احتمالی خطی و وضعیتی احتمالی چندگانه<sup>۴</sup> جهت پیش بینی ورشکستگی شرکتها مطرح گشتند. همچنین در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ استفاده از مدل‌های برنامه ریزی ریاضی در بسیاری از مطالعات عنوان شد. هدف اصلی این متدها، حذف فرضیات و محدودیتهای موجود در تکنیکهای قبلی و بهبود اعتبار و صحت طبقه بندی بود. در اوایل ۱۹۹۰ سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری<sup>۵</sup> در ترکیب با سیستم‌های تصمیم‌گیری چندگانه<sup>۶</sup> جهت حل مشکلات طبقه بندیهای مالی مورد استفاده قرار گرفتند. از جمله مطالعات دیگر در این زمینه می‌توان به کارهای روی<sup>۷</sup> در ۱۹۹۱ برای بکارگیری مدل الکتره<sup>۸</sup> و دیمیتراس<sup>۹</sup> در ۱۹۹۹ برای بکارگیری مدل روگ ست<sup>۱۰</sup> و مورگان<sup>۱۱</sup> در ۱۹۹۸ برای طراحی مدل اعتبارسنجی و تریسی<sup>۱۲</sup> در ۱۹۹۸ برای طراحی مدل ارزش در معرض ریسک<sup>۱۳</sup> جهت برآورد تابع چگالی احتمال عدم بازپرداخت اشاره کرد(۹، ۱۰، ۱۱).

امروزه در صنعت اعتباری، شبکه های عصبی<sup>۱۴</sup> تبدیل به یکی از دقیقترین ابزار آنالیز اعتبار در میان سایر ابزار

<sup>1</sup> Altman  
<sup>2</sup> Z score  
<sup>3</sup> Saunders & Allen  
<sup>4</sup> Logit, Probit  
<sup>5</sup> DSS  
<sup>6</sup> MCDM  
<sup>7</sup> Roy  
<sup>8</sup> ELECTERE  
<sup>9</sup> Dimitras  
<sup>10</sup> Rough set  
<sup>11</sup> Morgan  
<sup>12</sup> Treacy  
<sup>13</sup> value-at-risk  
<sup>14</sup> Neural network(NN)

<sup>15</sup> Desai, Crook & Overstreet  
<sup>16</sup> Linear discriminant analysis(LDA)  
<sup>17</sup> Logistic regression analysis(LRA)  
<sup>18</sup> West  
<sup>19</sup> Classification and regression tree (CART)  
<sup>20</sup> K-nearest neighbor(K-NN)  
<sup>21</sup> Yang & Platt  
<sup>22</sup> Bryant  
<sup>23</sup> Lee TS, Chiu CC, Lu CJ, Chen IF  
<sup>24</sup> Lee TS & Chen IF

نسبتهای مالی، قادر است به جمع آوری نسبتهای پیچیده پرداخته و آنها را در ابعاد مالی معنی داری طبقه بندی نماید. این ویژگی تحلیلگر را قادر می سازد تا به بینشی برای استراتژیهای عملیاتی بانک دست یابد (۲۲). امل و همکارانش<sup>۸</sup> در سال ۲۰۰۳ یک متدولوژی امتیازدهی اعتباری براساس تحلیل پوششی داده ها پیشنهاد نمودند. آنها داده های مالی جاری ۸۲ شرکت تولیدی/ صنعتی که تشکیل دهنده پرتفولیوی اعتباری یکی از بزرگترین بانکهای ترکیه بود را جهت رتبه بندی اعتباری بکار گرفتند. در این پژوهش براساس ادبیات موضوع، ۴۲ نسبت مالی انتخاب شد و از میان آنها ۶ نسبت مهم مالی مورد توجه قرار گرفت. امل و همکارانش پس از اعتبارسنجی مدل با تجزیه و تحلیل رگرسیون دریافتند که روش تحلیل پوششی داده ها قادر به تخمین رتبه های اعتباری شرکتها بوده و از کارایی لازم جهت امتیازدهی اعتباری برخوردار است (۲۳).

مین و لی<sup>۹</sup> نیز در سال ۲۰۰۷ در پژوهشی تحت عنوان " رویکرد عملی به امتیازدهی اعتباری " رویکرد بر مبنای DEA را جهت امتیازدهی اعتباری بکار گرفتند. آنان متدولوژی پیشنهادی امل و همکارانش را در جامعه آماری بسیار گسترده تری که داده های مالی جاری ۱۰۶۱ شرکت تولیدی، که پرتفولیوی اعتباری یکی از بزرگترین سازمانهای تضمین اعتبار در کره را در بر می گیرد، جهت رتبه بندی اعتباری مورد استفاده قرار دادند. آنان دریافتند که رویکرد تحلیل پوششی داده ها می تواند به عنوان گزینه ای امیدوار کننده جهت بهبود و جایگزینی متدهای امتیازدهی کنونی بکار گرفته شود و این رویکرد از کارایی لازم در جهت محاسبه رتبه های اعتباری مشتریان برخوردار است (۱۴، ص ۱۰۶).

در این زمینه در سال ۲۰۰۷ نیز چنگ و همکارانش<sup>۱۰</sup> در سال ۲۰۰۷ در تحقیقی با عنوان " رویکرد چند گزینه ای به رتبه بندی اعتباری با بکارگیری متد تحلیل پوششی داده ها : ارزیابی وام گیرندگان با در نظر گرفتن پروژه

در سال ۲۰۰۵ برای طراحی مدل رتبه بندی اعتباری دو مرحله ای مرکب ( شامل شبکه های عصبی مصنوعی و رگرسیون انطباقی چند متغیری اسپیلینز<sup>۱</sup>) (۱۸) و عبدو و همکارانش<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۷ برای مقایسه شبکه های عصبی و تکنیکهای سنتی معمول (۱۹) اشاره نمود.

همچنین در سالهای اخیر استفاده از الگوریتم ژنتیک و ماشینهای بردار پشتیبانی<sup>۳</sup> در زمینه رتبه بندی اعتباری مورد توجه قرار گرفته است که می توان به پژوهشهای هوآنگ و همکارانش<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۶ برای طراحی برنامه ریزی دومرحله ای ژنتیک جهت مدلهای رتبه بندی اعتباری (۲۰) و لونگ هوآنگ و همکارانش<sup>۵</sup> در سال ۲۰۰۷ برای بکارگیری ماشینهای بردار پشتیبانی جهت رتبه بندی اعتباری با رویکرد داده کاوی اشاره نمود (۲۱).

اگر چه شبکه های عصبی و دیگر متدهای سنتی برای امتیازدهی اعتباری نیازمند اطلاعات "پیش بینی شده" جهت پیش بینی ورشکستگی تجاری می باشند، در عمل ساخت یک مدل امتیاز دهی اعتباری بر مبنای اطلاعات مالی "به وقوع پیوسته" بسیار مفیدتر است. در اواخر سال ۱۹۹۰ به منظور "آنالیز گروه همسالان" همراه با ویژگیهای مالی خاصی که میان دو یا چند گروه تفاوت قائل گردد، تحلیل پوششی داده ها معرفی گردید. بر خلاف رویکردهای تجزیه و تحلیل ممیزی چند گانه<sup>۶</sup>، شبکه های عصبی و آنالیز رگرسیون خطی، رویکرد تحلیل پوششی داده ها صرفاً به اطلاعات واقعی (مجموعه مشاهده شده های ورودی- خروجی) جهت محاسبه رتبه های اعتباری نیازمند است. یه<sup>۷</sup> (۱۹۹۶) یکی از پیشگامان ترکیب تحلیل پوششی داده ها با آنالیز نسبتهای مالی است. او از تحلیل پوششی داده ها برای ارزیابی عملکرد بانک بهره گرفت و مطالعه او به طور تجربی نشان داد که تحلیل پوششی داده ها در ارتباط با آنالیز

<sup>1</sup> Spilines

<sup>2</sup> Abdou H, Pointon J, El-Masry A

<sup>3</sup> Support Vector Machine

<sup>4</sup> Huang J.J et al

<sup>5</sup> Huang C.L et al

<sup>6</sup> MDA

<sup>7</sup> Yeh

<sup>8</sup> Emel

<sup>9</sup> Min JH and Lee YC

<sup>10</sup> Cheng EWL, Chaing YH, Tang BS

مورد بررسی قرار گرفته و از میان ۳۵۰ مشتری اعتباری، با بکارگیری نمونه گیری تصادفی ساده، ۱۳۶ شرکت که در خلال این بازه زمانی وام دریافت کرده بودند، انتخاب شدند که به جهت بالا بردن دقت تعداد نمونه ۱۴۶ شرکت در نظر گرفته شده است. بر این اساس فرمول نمونه گیری از جامعه محدود بدون جایگذاری برابر است با (۲۵):

$$n = \frac{NZ_{\alpha}^2 \sigma^2_x}{\varepsilon^2(N-1) + Z_{\alpha}^2 \sigma^2_x}$$

$N$  = حجم جامعه،

$\sigma^2_x$  = انحراف معیار جامعه،

$n$  = حداقل حجم نمونه،

$\varepsilon$  = درصد خطای مجاز،

$Z_{\alpha}^2$  = سطح اطمینان ۹۵٪

### مرحله دوم: شناسایی شاخصهای موثر بر ریسک اعتباری

یکی از عوامل موفقیت تصمیمات اعتباری، انتخاب صحیح شاخصهای موثر بر ریسک اعتباری جهت ارزیابی دقیق و کامل است. موسسات اعتباری و بانکها می بایست با توجه به پیچیدگی فعالیتهایشان و محیط اقتصادی پیرامونشان، معیارهای مناسبی جهت ارزیابی ریسک اعتباری مشتریان انتخاب نمایند. مهمترین معیارهای پیشنهاد شده جهت ارزیابی ریسک اعتباری مشتریان عبارتست از:

در این پژوهش با استفاده از نتایج تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع و ادبیات موضوع، شاخصهای متعددی در دو حوزه مالی و غیر مالی مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً ۲۷ شاخص مالی و عمومی با استفاده از روش 5C<sup>۴</sup> شناسایی و به مرحله بعدی راه یافتند که عبارتند از:

الف) شاخصهای عمومی: پارامترهایی که هر یک از مشتریان برای دریافت تسهیلات به بانک ارائه می دهند و در پرونده اعتباری آنها موجود است مثل میزان تسهیلات

های مالی خصوصی<sup>۱</sup> یک رویکرد چند گزینه ای به رتبه بندی اعتباری را توسط تحلیل پوششی داده ها به منظور ارزیابی وام گیرندگان برای پروژه های مالی خصوصی، پیشنهاد می دهند. در این پژوهش تکنیکهای مختلف رتبه بندی اعتباری نظیر تجزیه و تحلیل ممیزی، درخت تصمیم، شبکه های عصبی و ..... مقایسه گشته اند (۲۴، ص ۱۷۵۳). اگرچه تحلیل پوششی داده ها در اوایل دهه ۱۹۸۰ بیان شد، با این حال به کارگیری این متد در زمینه موضوعات رتبه بندی اعتباری همچنان ادامه دارد (۲۴، ص ۱۷۵۹).

### ۳- روش شناسی تحقیق

متدولوژی پیشنهادی این تحقیق، شامل ۶ مرحله می باشد. سه مرحله این مدل با انتخاب شرکتیهای مورد مطالعه و سپس شناسایی شاخصهای اصلی موثر بر ریسک اعتباری با بکارگیری روش تجزیه و تحلیل عاملی و قضاوت خبرگان جهت ارزیابی عملکرد مشتریان حقوقی آغاز می گردد. در مرحله چهارم و پنجم، روش تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی اجرا شده و در مرحله ششم مدل تحلیل پوششی داده ها با مدل رگرسیون اعتبارسنجی شده و نتایج حاصل از مدل تحلیل پوششی داده ها توسط رگرسیون تحلیل می گردد. در مرحله آخر نیز نتایج حاصل از دو مدل با یکدیگر مقایسه می گردد.

#### مرحله اول: انتخاب نمونه

در این پژوهش، مشتریان حقوقی<sup>۲</sup> (شرکتهای کوچک و متوسط<sup>۳</sup>) که از یک بانک تجاری استان تهران در یک بازه زمانی یکساله تسهیلات اعتباری دریافت نموده و آنها را به بانک عودت داده یا نداده اند به عنوان جامعه آماری تعریف می گردند. با توجه به این موضوع برای نمونه گیری، کلیه مشتریان اعتباری حقوقی (کوچک و متوسط) شعب شهری این بانک تجاری در بازه زمانی مورد نظر

<sup>۱</sup>PFI

<sup>۲</sup>بنا بر گزارش گروه مطالعات اقتصادی و بانکی بانک مربوطه شرکتهای حقوقی کوچک و متوسط شرکتهایی هستند که تا سقف ۳۶۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال تسهیلات اعتباری از بانک دریافت نموده اند.

<sup>۳</sup>SME

<sup>۴</sup>Character, Capacity, Capital, Condition, Coverage or Collateral

جدیدی است که از طریق ترکیب خطی نمره های اصلی متغیرهای مشاهده شده برآورد می شود (۲۶). برای اجرای یک تحلیل عاملی ۴ گام اساسی ضرورت دارد:

(۱) گردآوری داده ها و فراهم ساختن ماتریسهای کواریانس مربوطه (۲) استخراج عاملهای اولیه (۳) چرخش برای به دست آوردن یک جواب نهایی (۴) تفسیر نتایج.

در این مرحله متغیرهای مستقل پیوسته جهت انتخاب عاملهای اصلی با استفاده از روش اجزای اصلی (اجزای دارای مقادیر ویژه بزرگتر از ۱)، وارد مدل تجزیه و تحلیل عاملی شدند. تناوب عوامل با استفاده از روش Varimax متعامد انجام شده است. از میان ۲۳ نسبت و متغیر مالی<sup>۲</sup>، ۲ متغیر کنار گذاشته شد<sup>۳</sup> و در مجموع ۲۱ متغیر باقی ماند که برحسب مشخصات مشترک میان آنها، به ۶ عامل ویژه طبقه بندی شدند. جدول ۱ بیانگر عوامل تعیین شده با استفاده از تجزیه و تحلیل عاملی می باشد:

دریافتی تاکنون توسط شرکت، داشتن یا نداشتن گزارش حسابرسی، داشتن یا نداشتن مجوز کسبی، سابقه مدیر عامل شرکت، مالکیت محل فعالیت (شامل استیجاری یا ملکی بودن)، میزان پوشش تسهیلات دریافتی توسط وثائق و سابقه بازپرداخت شرکت.

ب) شاخصهای مالی: شامل برخی از نسبتها و متغیرهای مالی که بر ریسک اعتباری تاثیر گذارند و اغلب در تحقیقات مالی استفاده می شوند مثل نسبت جاری، نسبت آبی، نسبت دارایی جاری، نسبت گردش کل داراییها، نسبت گردش دارایی ثابت، بدهی جاری به ارزش ویژه، ارزش ویژه به کل داراییها (نسبت مالکانه)، نسبت کل بدهیها به کل داراییها (نسبت بدهی)، نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه، نسبت حاشیه سود، نسبت بازده دارایی (نرخ بازده سرمایه)، وام کوتاه مدت به دارایی کل، وام کوتاه مدت به بدهی جاری، وام کوتاه مدت به فروش خالص، بدهی جاری به فروش خالص، موجودی کالا به دارایی جاری، دارایی جاری به ثابت، بدهی جاری به کل داراییها، داراییهای جاری و بدهیهای جاری.

مرحله سوم: انتخاب شاخصهای اصلی با استفاده از

تجزیه و تحلیل عاملی و قضاوت خبرگان<sup>۱</sup>

۱- تجزیه و تحلیل عاملی

آزمون تحلیل عامل روش ریاضی برای تقلیل داده ها می باشد. در واقع منطق تحلیل عامل کاهش مجموعه بزرگی از متغیرها به چند عامل اساسی است. طبیعتاً این عاملها طبق سازکارهای این آزمون استخراج می شود. بر این اساس مفروضه اساسی تحلیل عاملی این است که عاملهای زیر بنایی متغیرها را می توان برای تبیین پدیده های پیچیده به کار برد و همبستگی های مشاهده شده بین متغیرها حاصل اشتراک آنها در این عاملهاست. هدف تحلیل عاملی تشخیص این عاملهای مشاهده ناپذیر بر پایه مجموعه ای از متغیرهای مشاهده پذیر است. عامل، متغیر

<sup>۲</sup> سه متغیر عمومی میزان تسهیلات دریافتی تاکنون، سابقه مدیر عامل شرکت و میزان پوشش تسهیلات توسط وثائق نیز به علت پیوسته بودن وارد مدل تحلیل عاملی گشتند.  
<sup>۳</sup> بدلیل میزان بسیار کم همبستگی میان دو متغیر (سابقه مدیر عامل شرکت و میزان پوشش تسهیلات توسط وثائق) و عاملهای مربوطه که در تجزیه و تحلیلهای اولیه خروجیهای تحلیل عاملی مشخص شد، این دو متغیر کنار گذاشته شدند.

<sup>۱</sup> از فرضیات اصلی تحلیل عاملی وارد شدن متغیرهای عددی پیوسته به این تکنیک جهت شناسایی عوامل اصلی می باشد. بنابراین تحلیل عاملی قادر به شناسایی متغیرهای گسسته نیست. در این مرحله به منظور انتخاب مهمترین متغیرهای عمومی گسسته از قضاوت خبرگان بهره گرفته شده است.

جدول ۱. نتایج تجزیه و تحلیل عاملی

عاملها					
فروش	وام بانکی	نقدینگی	فعالیت	سودآوری	بدهی
بدهی جاری به فروش خالص	میزان تسهیلات دریافتی	دارایی جاری	گردش دارایی ثابت	نرخ بازده داراییها	دارایی ثابت به ارزش ویژه
وام کوتاه مدت به فروش خالص	وام کوتاه مدت به کل دارایی	موجودی کالا به دارایی جاری	گردش کل دارایی	نسبت حاشیه سود	بدهی جاری به ارزش ویژه
	وام کوتاه مدت به بدهی جاری	نسبت جاری			نسبت بدهی کل به دارایی کل
		نسبت آنی			ارزش ویژه به دارایی کل
		نسبت دارایی جاری			بدهی جاری
		دارایی جاری به ثابت			بدهی جاری به کل دارایی

خاص دست پیدا کند. روش دلفی از مراحل زیر جهت اجرا و بکارگیری تشکیل شده است:

۱) تعریف موضوع پژوهش و بررسی نوشته ها (۲) انتخاب اعضای پانل دلفی (۳) طراحی و ارسال فرمهای نظرسنجی در مورد موضوع مورد بررسی و تحلیل پاسخهای دریافتی (۴) آماده سازی و ارسال فرم نظرسنجی دور بعدی و تحلیل پاسخها و تکرار مراحل در صورت لزوم (۵) دستیابی به نتیجه پایدار.

اعضای پانل دلفی در این پژوهش به صورت نمونه گیری غیر احتمالی و با روش زنجیره ای برگزیده شده اند. بر این اساس ابتدا ۲ نفر از افرادی نامزد شدند که برای مشارکت در این پژوهش مناسب تشخیص داده شده اند. این افراد واجد یک یا چند ویژگی بوده اند: الف) مدیر/ مشاور ارشد در حوزه مدیریت ریسک در بانکهای دولتی ب) عضو هیات علمی دانشگاه یا موسسه پژوهشی در زمینه مدیریت ریسک ج) متخصص ارشد بانکها و یا شرکتهای خصوصی در حوزه مدیریت ریسک.

به جهت تعیین این مطلب که آیا ماتریس داده ها برای تحلیل عاملی مناسبند یا خیر، دو آزمون کیزر مایر و کرویت بارتلت نیز اجرا گشتند. مقدار بدست آمده (۰/۶۰۷) حاصل از آزمون کیزر مایر حاکی از آنست که همبستگیهای موجود برای تحلیل عامل بسیار مناسبند و در آزمون بارتلت آزمون کای دو، درجه آزادی و سطح معناداری را نشان می دهد که در اینجا نتایج بدست آمده حاکی از معنی داری و عدم واحد بودن ماتریس همبستگی می باشد.

۲- قضاوت خبرگان

یکی از روشهای نظر سنجی که ضمن حفظ سادگی از اطمینان بالایی نیز برخوردار است، روش دلفی می باشد. اساس روش دلفی بر جمع آوری نظرات کلیه کارشناسان کلیدی استوار است؛ روش دلفی در عمل، یک سری از پرسشنامه ها یا نظر سنجی یا دوره های متوالی به همراه بازخوران کنترل شده ای است که تلاش دارد به اتفاق نظر میان یک گروه از افراد متخصص درباره یک موضوع

برای قضاوت درباره اهمیت هر یک از مقوله ها بکار برده اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق نظر دارند. این مقیاس با استفاده از فرمول زیر محاسبه می شود:

$$W = \frac{S}{1/12K^2(N^3 - N)}$$

$$S = \sum \left[ R_j - \frac{\sum R_j}{N} \right]^2$$

$R_j$  = مجموع رتبه های مربوط به یک عامل

$K$  = تعداد مجموعه های رتبه ها (تعداد داوران)

$N$  = تعداد عوامل رتبه بندی شده

ضریب همابستگی کندال در دور اول ۰/۴۶۰ و در دور دوم برای پاسخهای اعضا در مورد شاخصهای غیر مالی موثر بر ریسک اعتباری برابر ۰/۵۷۵ و در دور سوم برابر ۰/۶۱ بدست آمد که مقدار این ضریب نسبت به دور سوم تنها به میزان ۰/۰۳۵ افزایش یافت که مقدار رشد قابل توجهی را نشان نمی دهد. با توجه به اینکه تعداد اعضای پانل بیش از ۱۰ نفر بود این میزان از ضریب کندال کاملاً معنادار به حساب می آید. بنابراین براساس نتایج حاصله از روش دلفی ۲ شاخص مجوز کسبی و سابقه بازپرداخت به عنوان شاخصهای غیر مالی نهایی انتخاب گشتند.

در نهایت با توجه به نتایج حاصله از تحلیل عاملی و قضاوت خبرگان ۸ شاخص زیر به عنوان شاخصهای نهایی پوشاننده ابعاد مالی و غیر مالی انتخاب گشتند:

(۱) وام کوتاه مدت به مجموع دارایی<sup>۳</sup> (وام کوتاه مدت فروش خالص<sup>۴</sup>) نسبت کل بدهی به کل دارایی<sup>۵</sup> (مجوز کسبی<sup>۶</sup>) (عدد صفر نشانگر نداشتن مجوز کسبی و یک نشانگر دارا بودن مجوز کسبی می باشد) (۵) سابقه بازپرداخت (عدد صفر نشانگر سابقه بازپرداخت منفی و یک نشانگر سابقه بازپرداخت مثبت می باشد).

از افراد خواسته شد تا افراد دیگری را معرفی کنند که بر اساس معیارهای یاد شده برای مشارکت در این پژوهش مناسب باشند. از میان افراد معرفی شده ۹ نفر دیگر واجد شرایط تشخیص داده شدند. بنابراین ۱۱ نفر از کارشناسان این حوزه جهت مشارکت در پانل دلفی انتخاب گردیدند. در این پژوهش، ۴ شاخص غیر مالی براساس ادبیات موضوع و تحقیقات پیشین داخلی و خارجی به عنوان موضوع تعریف شد. همچنین براساس تعریف موضوع، تخصصهای مورد نیاز تعیین و اعضای پانل دلفی با استفاده از روشهای نمونه گیری غیر احتمالی، شناسایی و انتخاب شدند.

پس از تعیین اعضای پانل، ۳ دور روش دلفی انجام شد. در دور اول فهرست ۴ تایی شاخصهای غیر مالی که از پژوهشهای پیشین استخراج شده بودند، جهت تعیین میزان اهمیت آنها در بانکهای دولتی ایران در اختیار اعضا قرار گرفت. علاوه بر این از آنان خواسته شد که ایده های خود را در باره عواملی ارائه کنند که در این فهرست نیستند. در دور دوم، مجموعه عواملی که در دور اول پیشنهاد شده بودند، برای تعیین میزان اهمیت در اختیار آنان قرار گرفت. در دوره سوم، نظر اعضا درباره عواملی که اهمیت آنها در دوره های اول و دوم زیاد و خیلی زیاد تشخیص داده شده بودند، مجدداً دریافت شد. انجام روش دلفی پس از انجام دور سوم و دستیابی به اتفاق نظر مطلوب پایان یافت. در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب همبستگی کندال استفاده شد. ضریب همابستگی کندال<sup>۱</sup> مقیاسی است که برای تعیین درجه همابستگی و موافقت میان چندین دسته رتبه مربوط به  $N$  شی یا فرد. در حقیقت با کاربرد این مقیاس می توان همبستگی رتبه ای میان  $K$  مجموعه رتبه را یافت. چنین مقیاسی به ویژه در مطالعات مربوط به روایی میان داوران<sup>۲</sup> مفید است. ضریب همابستگی کندال نشان می دهد که افرادی که چند مقوله را براساس اهمیت آنها مرتب کرده اند، بطور اساسی معیارهای مشابهی را

<sup>3</sup>Short term bank loan/Total assets (STBL/TA)

<sup>4</sup>Short term bank loans/Net sales (STBL/NS)

<sup>5</sup>Total liabilities/Total asset (TL/TA)

<sup>6</sup> مجوز کسبی نشانگر اعتبار وام گیرنده است.

<sup>1</sup>Kendalls coefficient of concordance(W)

<sup>2</sup>Interjudge reliability



مقیاس در این مقاله، در ادامه اشاره مختصری به این مبحث خواهد شد.

#### ۱-۴- روش تحلیل پوششی داده ها با فرض بازدهی

##### ثابت نسبت به مقیاس

نحوه استخراج مدل فوق که به CCR مشهور است، به دو روش مجموعه امکانات و روش کسری صورت می گیرد.

الف) روش مجموعه امکانات: به منظور محاسبه کارایی در این روش باید مشخص شود که آیا بنگاههای مختلف از حداقل نهاده برای ایجاد ستانده های خود استفاده نموده اند یا خیر. برای این کار بنگاه فرضی  $P$  را در نظر گرفته و نهاده های آنرا در  $\theta_p$  ضرب می نماییم ( $\theta \leq 1$ ). چنانچه مجموعه  $(\theta_p X_p, Y_p)$  در مجموعه امکان تولید قرار گیرد، آنگاه امکان استفاده از  $X_p$  از  $\theta_p X_p \leq X_p$  برای تولید  $Y_p$  وجود داشته و بنگاه  $P$  ناکارا خواهد بود. در مرحله بعد مقدار  $\theta_p$  کوچکتری را در نظر گرفته و فرآیند فوق تکرار می شود. اگر بازهم این مجموعه در درون مجموعه امکان واقع شود، فرآیند ادامه یافته تا بدانجا که کوچکترین  $\theta_p$  بدست آید و بدین طریق نقطه ای از مرز مجموعه امکان حاصل می شود. به عنوان مثال اگر  $\theta_p = 0.4$  باشد، بدین معناست که می توان  $Y_p$  را با ۰.۴ میزان نهاده های موجود تولید نمود. آنگاه مجموعه  $(0.4X_p, Y_p)$  یک نقطه از مرز مجموعه امکان تولید خواهد بود. در صورتی که  $\theta_p$  برابر واحد محاسبه شود، نقطه کارا بوده و به عنوان یک نقطه روی مرز مجموعه امکان تلقی می شود.

ب) روش کسری: در این روش، CCR براساس تعریف اولیه کارایی (نسبت ستانده به نهاده) ساخته می شود. مشخصه بارز این روش تبدیل مساله ارزیابی کارایی بنگاههایی با چند ورودی و چند خروجی به یک مساله با یک ورودی و یک خروجی مجازی می باشد.

در این حالت، صورت و مخرج کسر از جمع ستانده ها به نهاده ها تشکیل می شود. نقش نهاده ها و ستانده ها متفاوت بوده و باید ضرائب متفاوتی برای آنها لحاظ نمود. یعنی کارایی برابر است با:

$$= \frac{U_1 Y_1 + U_2 Y_2 + \dots}{V_1 X_1 + V_2 X_2 + \dots}$$

۶) ارزش ویژه به مجموع دارایی<sup>۱</sup> (۷) دارایی جاری به دارایی ثابت<sup>۲</sup> (۸) نرخ بازده دارایی<sup>۳</sup>.

#### مرحله چهارم: محاسبه امتیازات اعتباری با استفاده از

##### مدت تحلیل پوششی داده ها

تحلیل پوششی داده ها از جمله روشهای آمار ناپارامتریک می باشد که به منظور محاسبه انجام محاسبات خود نیازمند طبقه بندی شاخصها در دو گروه مشخص می باشد: داده و ستانده. روشهای ناپارامتریک مبتنی بر یک سری بهینه سازی ریاضی بوده که برای محاسبه کارایی نسبی مورد استفاده قرار می گیرند. مفهوم نسبی در جمله فوق بسیار حائز اهمیت است، چرا که کارایی به دست آمده در این روش، در نتیجه مقایسه بنگاههای موجود با یکدیگر حاصل می شود. در صورت حذف و یا اضافه شدن تعداد مشاهدات، ممکن است مقدار کارایی محاسبه شده نیز تغییر نماید. لذا کارایی حاصل به صورت نسبی است.

در روش تحلیل پوششی داده ها، تحت شرایطی که بنگاهها برای تولید ستانده خود به بیش از دو عامل تولید نیاز داشته باشند، هر واحد تولیدی با توجه به انواع و میزان عوامل تولید خود، به عنوان نقطه ای در فضا در نظر گرفته می شود که این ابعاد توسط تعداد عوامل تولید و مختصات آن به وسیله میزان استفاده از هر عامل تولید نسبت به ستانده تولیدی هر بنگاه تعیین می گردد. آنگاه با انتخاب یک واحد تولیدی به عنوان واحد مورد بررسی و به کمک برنامه ریزی خطی موقعیت این واحد (نقطه) نسبت به واحدهای دیگر (سایر نقاط موجود در فضا) سنجیده می شود. این عمل به تعداد واحدها تکرار شده و بنابراین به تعداد واحدها، برنامه ریزی خطی وجود خواهد داشت. براین اساس بنگاههای کارا قلمداد می شود که هیچ ترکیب خطی از سایر بنگاهها را نتوان یافت که بتواند با نهاده مشابه آن بنگاه؛ همان میزان ستانده و یا بیش از آنرا تولید نماید<sup>۲۷</sup>.) به جهت بکارگیری مدل تحلیل پوششی داده ها با فرض بازدهی ثابت نسبت به

<sup>۱</sup> Owners equity/Total asset (OE/TA)

<sup>۲</sup> Current assets/Fixed assets (CA/FA)

<sup>۳</sup> ROA

Min  $\theta$

$$S.t: -Y_i + Y\lambda \geq 0$$

$$\theta X_i - X\lambda \geq 0$$

$$\theta, \lambda \geq 0$$

که این همان معادله بدست آمده از روش مجموعه امکان می باشد. در این مساله،  $\lambda_{N \times 1}$  شامل اعداد ثابت و بیانگر وزنهای مجموعه مرجع است. مقادیر محاسبه شده  $\theta$  همان کارایی بنگاههاست که شرط  $\theta \leq 1$  را تامین می نماید. با حل این مدل به تعداد بنگاههای موجود، میزان کارایی هر یک از آنها محاسبه خواهد شد. اگر  $\theta = 1$  باشد، بدین معناست که نقطه بر روی منحنی تولید یکسان و یا تابع تولید مرزی واقع شده و طبق تعریف فارل دارای کارایی نسبی ۱۰۰٪ می باشد (۲۸).

در این پژوهش با توجه به نوع داده های در دسترس، دو مدل اصلی<sup>۱</sup> و جمعی روش تحلیل پوششی داده ها جهت انتخاب بهترین مدل مورد بررسی قرار گرفتند. سپس این مدلها با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون اعتبارسنجی شده و با توجه به نتایج، بهترین مدل انتخاب گردید. به جهت بالابودن  $R^2$  بدست آمده در مدل اصلی با فرض بازدهی ثابت به مقیاس نسبت به سایر مدلها، رتبه های اعتباری در جهت نهاده و با فرض بازدهی ثابت نسبت به مقیاس تولید محاسبه گشتند؛ به عبارتی دیگر، ملاک دسته بندی شرکتهای حقوقی کارایی فنی آنها بوده است.

۸ شاخص نهایی بدست آمده از روش تحلیل عاملی و دلفی در دو گروه نهاده و ستانده به شرح زیر بدست آمده است:

الف) نهاده هایی<sup>۲</sup> که باید حداقل شوند عبارتند از: وام کوتاه مدت به مجموع دارایی، وام کوتاه مدت به فروش خالص، نسبت کل بدهی به کل دارایی.

ب) ستانده هایی<sup>۳</sup> که باید حداکثر شوند عبارتند از: مجوز کسبی، سابقه بازپرداخت، ارزش ویژه به مجموع دارایی، دارایی جاری به دارایی ثابت، نرخ بازده دارایی.

که در آن  $X$  و  $Y$  به ترتیب بیانگر نهاده ها و ستانده ها،  $V$  و  $U$  نیز وزن مربوط به هر یک از آنها می باشد. جهت محاسبه ضرائب پیشنهاد شده که هر بنگاه یا واحد تصمیم ساز مقادیر متفاوتی را به وزنها اختصاص داده و هر بار این نسبت را محاسبه نموده و فرآیند مذکور را تا ماکزیمم گردیدن کسر مزبور ادامه دهد اما به شرط آنکه وزنهای اختصاص داده شده، کارایی واحد دیگری از سایر واحدها را بزرگتر از واحد ننماید. زیرا کارایی همواره باید عددی میان صفر و یک باشد.

$$Max \frac{u'Y_j}{v'X_j} \quad j = 1, 2, \dots, i, \dots, N$$

$$S.t: \frac{u'Y_j}{v'X_j}$$

$$u, v \geq 0$$

که در آن به ترتیب  $V_{K \times 1}$  و  $U_{M \times 1}$  بیانگر وزن ستانده ها و نهاده ها و  $Y_{M \times N}$  و  $X_{K \times N}$  نیز نشان دهنده ماتریس نهاده و ستانده می باشد. از آنجاییکه برنامه فوق یک برنامه غیر خطی (کسری) بوده و با استفاده از روشهای معمول برنامه ریزی خطی قابل حل نمی باشد، باید آنرا به فرم برنامه ریزی خطی تبدیل نمود. تبدیل فوق ابتکار عمل روش CCR در حل مدل اولیه بوده است. در روش CCR از تغییر متغیر ( $v'X_j = \frac{1}{t} t > 0$ ) استفاده شده است. پس از افزودن این قید به مدل و ضرب فرم کسری در  $t$  داریم:

$$Max u'Y_j$$

$$S.t: tv'X_j = I$$

$$tu'Y_j - tv'X_j \leq 0$$

$$tu', tv' \geq 0$$

اکنون با قرار دادن  $V'_i = tv'_i$  و  $\mu'_i = tu'_i$  داریم:

$$Max \mu'_i Y_j$$

$$S.t: V'_i X_j = I$$

$$\mu'_i Y_j - V'_i X_j \leq 0$$

$$\mu'_i, V'_i \geq 0$$

از آنجاییکه استفاده از روش برنامه ریزی خطی برای حل مساله دوگان به معنای نیاز به قیود کمتر نسبت به روش اولیه می باشد، استفاده از فرم دوگان این مساله مناسب تر است ( $K + M < N + 1$ ).

<sup>1</sup> Basic

<sup>2</sup> Input

<sup>3</sup> Output

یک از متغیرها به گونه ای تعیین شود که ارتباط معنی داری بین بردار داده ها و بردار ستاده ها برقرار شود. معمولاً تعیین ضرائب در هر یک از نرونها به صورت آزمون و خطا می باشد. بدین ترتیب که ابتدا وزنهای کوچک به هر یک از متغیرها ارائه می شود و سپس با استفاده از الگوریتم بازخورد، خطاهای ضرائب تعدیل می شوند. اینکار تا زمانی ادامه می یابد که خطاها به حداقل ممکن تعیین شده از سوی پژوهشگر برسد (۲۹).

یک سیستم عصبی مصنوعی در حقیقت، فرآیند یادگیری انسانی را شبیه سازی می کند. سیستم شبکه عصبی مصنوعی با تقلید از سیستم مغزی و عصبی انسان می کوشد که ارتباط بین داده ها و ستاده ها را از راه تکرار نمونه برداری از مجموعه داده های گذشته یاد گیرد. شبکه عصبی دارای یک برتری اساسی نسبت به سیستم خبره بوده و آن اینست که هنگامی که داده ها کامل نبوده و یا دارای پارازیت باشند، از راه آموخته های گذشته حدس منطقی از داده ها می سازد. شبکه عصبی براساس سه ویژگی داده های ورودی، وزنها و لایه های پنهان تعریف می شود. مدل شبکه عصبی استفاده شده در این مقاله از نوع پیش خور<sup>۲</sup> می باشد. هر نرون شبکه پیش خور در هر لایه با تمامی نرونهای لایه پیشین خود در ارتباط می باشد و آن بدین علت است که بردار خروجی در هر لایه، بردار ورودی لایه بعد خود می باشد. از مهمترین و پرکاربردترین انواع شبکه های پیش خور، شبکه های عصبی پرسپترون<sup>۳</sup> چند لایه است که در این مقاله بکار گرفته شده است. مدل استفاده شده در این مقاله یک شبکه عصبی سه لایه است که از بردار ورودی با ۸ متغیر ورودی که عبارتند از: ارزش ویژه به مجموع دارایی، مجوز کسبی، سابقه بازپرداخت، نسبت دارایی جاری به دارایی ثابت، نرخ بازده داراییها، نسبت وام کوتاه مدت به مجموع دارایی، نسبت وام کوتاه مدت به فروش خالص و نسبت کل بدهیها به مجموع داراییها استفاده می کند. شمای ساختاری شبکه پرسپترون سه لایه بکارگرفته شده را می بینیم.

سپس کارایی مشتریان حقوقی با بکارگیری روش تحلیل پوششی داده ها محاسبه شده و نتایج نشانگر آنست که میانگین کارایی فنی برای تمامی شرکتهای حقوقی در ساخت مدل برابر ۰/۵۲ می باشد. به عبارت دیگر، در مجموع شرکتهای مورد بررسی حدود ۰/۴۸ بیش از میزان مورد نیاز، نهاده ها و عوامل تولید را مورد استفاده قرار می دهند. چنانچه شرکتهای به صورت کارا عمل نمایند (بر روی تابع مرزی قرار داشته باشند)، می توانند با کاهش هزینه های خود به میزان ۰/۴۸، همان سطح از محصول را ارائه دهند. از میان ۱۴۶ شرکت مذکور، تنها ۲۵ شرکت روی مرز کارایی قرار داشته و به عنوان شرکتهای کاملاً کارا (دارای کارایی ۱) قلمداد می گردند.

جهت رتبه بندی واحدهای کاملاً کارا بطور کلی سه روش وجود دارد که عبارتند از: (۱) روش شمارشی (۲) روش وزنی (۳) روش اندرسون-پترسون (۲۸، ص ۹۶). با توجه به آنکه در تحقیق حاضر، رتبه بندی واحدهای کارا از درجه دوم اهمیت برخوردار است، لذا از ساده ترین روش که همان روش شمارشی است، استفاده می گردد. با استفاده از روش شمارشی شرکت شماره ۶۹ با ۵۹ بار تکرار در مجموعه مرجع دارای بالاترین رتبه و شرکتهای شماره ۲۱ و ۶۳ بدون تکرار، از کمترین میزان کارایی در میان شرکتهای کارا برخوردار می باشند.

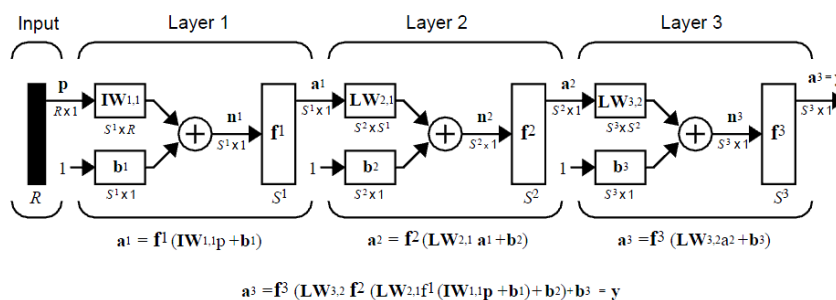
### مرحله پنجم: محاسبه امتیازات اعتباری با بکارگیری مدل شبکه عصبی

شبکه های عصبی مصنوعی، سیستمهایی بر مبنای هوش مصنوعی است که می کوشد کارکرد مغز انسان را به عنوان شبکه ای از نرونهای متصل به هم در فرآیند تصمیم گیری تقلید کند. نرونها کوچکترین واحدهای محاسبه و تصمیم گیری در شبکه های عصبی هستند. در هر یک از نرونها یک معادله تبدیل تعریف شده است. معادله تعریف شده در هر یک از نرونها می تواند یک مدل اقتصادسنجی یا هر مدل ریاضی دیگر مثل توابع سیگموئیدی باشند. با استفاده از این معادله سعی می گردد که وزن هر

<sup>2</sup> Feed Forward Neural Network

<sup>3</sup> Perceptron Network

<sup>1</sup> Anderson & Peterson (AP)



نمودار ۱. شمای ساختاری شبکه پرسپترون سه لایه

$a^3 = y$  ماتریس وزن در لایه پنهان  $a^i$  می باشد. بردار خروجی است که از رابطه زیر بدست می آید:

$$a^0 = p$$

$$a^i = f^i (W^i \cdot a^{i-1} + b^i) \quad i = 1, 2, 3$$

where  $W^1 = IW_{1,1}, W^2 = LW_{2,1}, W^3 = LW_{3,2}$

آن با مقدار هدف مقایسه می شود. قواعد یادگیری با تنظیم وزنها و بایاسها، خروجی شبکه را به مقدار هدف نزدیک می کند. از انواع الگوریتمهای موثر جهت آموزش یک شبکه پرسپترون چند لایه، الگوریتم پس انتشار خطا<sup>۲</sup> است. الگوریتم پس انتشار بر مبنای تخمین بیشترین کاهش گرادیان عمل می کند که شاخص کارایی در این الگوریتم، میانگین مربعات خطا است. شبکه های پرسپترون چند لایه که توسط الگوریتم پس انتشار آموزش داده شوند پرکاربردترین نوع از شبکه های عصبی می باشند. از انواع الگوریتمهای پس انتشار، الگوریتم لونبرگ-مارکوت<sup>۳</sup> است که برگرفته از روش نیوتن بوده و روش کارایی در آموزش شبکه های عصبی می باشد و جهت آموزش در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است. روند کلی الگوریتم پس انتشار لونبرگ-مارکوت را می توان در گام های زیر خلاصه نمود:

$P$  بردار ورودی و  $IW^{1,1}$  ماتریس وزن در لایه پنهان اول می باشد.  $n^i$  بردار نرونها،  $a^i$  بردار خروجی،  $f^i$  تابع انتقال،  $b^i$  بردار بایاس در لایه  $i$  ام است و  $LW_{i,j}$

تعداد نرونها در لایه پنهان اول برابر با تعداد متغیرها فرض شده است که این تعداد بهینه ترین تعداد نرون در این لایه می باشد. تابع انتقال استفاده شده در لایه سوم تابع لگاریتمی سیگنویید  $\frac{1}{1+e^{-net.g}}$  where  $g > 0$  است که در شبکه های پس انتشار بسیار مورد استفاده قرار می گیرد (۳۰). این تابع انتقال موجب می شود خروجی شبکه عددی بین ۰ تا ۱ باشد که نتیجه مطلوب در این مقاله است.

### ۵-۱- قواعد یادگیری

قواعد یادگیری، رویه ای برای اصلاح وزنها و بایاسها<sup>۱</sup> است و در راستای آموزش شبکه مورد استفاده قرار می گیرد. با ورود بردار ورودی به شبکه که بصورت مجموعه  $\{[p_1, t_1], [p_2, t_2], \dots, [p_q, t_q]\}$  که در آن  $p_q$  ها ورودی شبکه و  $t_q$  هدف متناظر با هر ورودی، خروجی

<sup>2</sup> Back Propagation

<sup>3</sup> Levenberg-Marquardt

<sup>1</sup> Bias

از  $e_q = t_q - a_q^m$  برای  $m = 1, 2, 3$  و سپس محاسبه مجموع مربعات خطاها به ازای همه ورودیها.

$$F(x) = \sum_{q=1}^Q (t_q - a_q)^T (t_q - a_q) = \sum_{q=1}^Q e_q^T e_q = \sum_{q=1}^Q \sum_{j=1}^Q (e_{j,q})^2 = \sum_{j=1}^N (v_j)^2$$

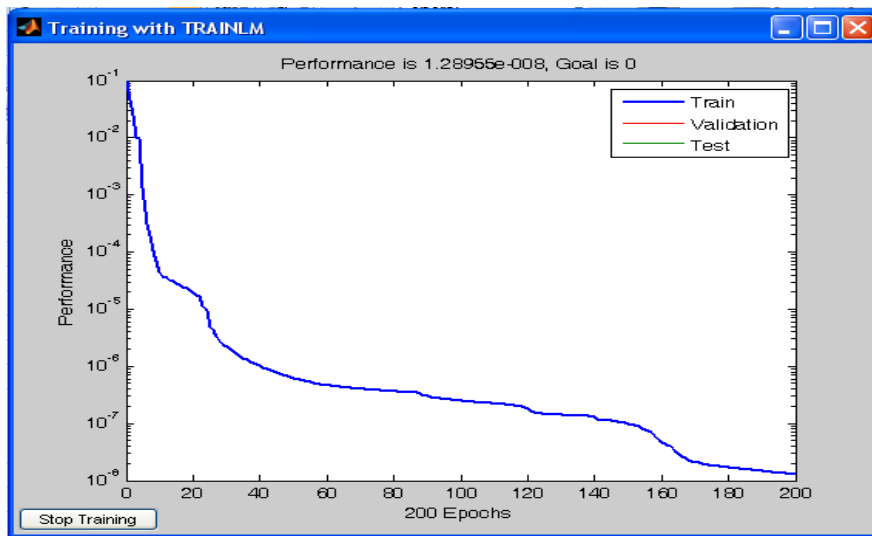
۲. محاسبه ماتریس ژاکوبی  $J(x)$  برای تابع برداری  $v(x)$ .

۳. محاسبه  $\nabla x_k$  با استفاده از حل معادله مربوطه.

$$\nabla x_k = -[J^T(x_k)J(x_k) + \mu_k I]^{-1} J^T(x_k) v(x_k)$$

اجرای کردن مدل شامل خلق، آموزش و آزمایش داده ها توسط نرم افزار پیشرفته مطلب پیاده سازی شده است. شکل زیر نمایی از آموزش شبکه مورد استفاده در این مقاله و در تعداد بهینه ای از سیکل های یادگیری می باشد.

۴. محاسبه مجدد مجموع مربعات خطاها با استفاده از  $x_k - \nabla x_k$ . اگر مجموع مربعات خطاهای جدید از مجموع مربعات خطاهای محاسبه شده در گام اول کوچکتر باشد آنگاه  $\mu$  بر  $v$  تقسیم شده و  $x_{k+1} = x_k + \nabla x$  در معادله قرار داده شده و به مرحله ۱ باز می گردیم و در غیر اینصورت  $\mu$  با  $v$  ضرب شده و به مرحله ۳ باز می گردیم.



نمودار ۲. آموزش شبکه در نرم افزار MATLAB

مشخص می کند. مهمترین مساله در استفاده از شبکه های عصبی، انتخاب یک الگوی آموزشی مناسب است. لذا لازم است ابتدا داده های ورودی به دو مجموعه آموزش و آزمایش تقسیم شوند. داده های این مقاله شامل ۱۴۶ پرونده می باشد که ۱۲۶ پرونده جهت آموزش و ۲۰ پرونده جهت آزمایش شبکه مورد نظر قرار گرفته شده است. مجموعه آزمایش برای تنظیم اتصالات بین نرونها و در جهت مینیمم کردن خطا مورد استفاده قرار می گیرد.

الگوریتم زمانی همگراست که نرم گرادیان کمتر از مقدار از پیش تعریف شده باشد و یا اینکه خطای مجموع مربعات از حد معینی کوچکتر گردد. در مدل شبکه عصبی مورد نظر در این مقاله، نتیجه، ریسک اعتباری مشتری است که با یک عدد اعشاری بین ۰ تا ۱ مشخص می شود. عدد نزدیک به صفر ریسک بالای مشتری را در پرداخت اصل و اقساط تسهیلات و عدد نزدیک به ۱ کمترین ریسک اعتباری مشتری در پرداخت اقساط را

در روند آموزش شبکه و با تکرار فرایند یادگیری، وزن‌ها و بایاسها (۲) بگونه ای تنظیم می شوند که خطای برازش داده های آزمایش همگرا به صفر باشد (۳۰).

### مرحله ششم: اعتبارسنجی مدل تحلیل پوششی داده ها با استفاده از رگرسیون

هدف این مرحله بدست آوردن درجه ای از انطباق میان نتایج حاصل از تحلیل پوششی داده ها با نتایج حاصل از رگرسیون می باشد. در بسیاری از موارد، به علت بی نظمی و بی قاعدگی موجود در داده ها، قدرت تشخیص تحلیل پوششی داده ها در مسائل کارایی شرکتها کاهش می یابد. بنابراین نیاز به سنجش قدرت تشریحی مجموعه شاخص استفاده شده در روش تحلیل پوششی داده ها احساس می شود. تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی به عنوان یک ابزار تست در این گونه موارد پیشنهاد

می شود. به منظور انجام آزمایش، رتبه های حاصل از تحلیل پوششی داده ها به عنوان متغیر وابسته و شاخصهای نهایی انتخاب شده (۸ شاخص مالی و عمومی) به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته می شوند (۲۳، ص ۱۲۰).

از آنجائیکه تحلیل پوششی داده ها قادر به تمایز میان کارایی شرکت‌های دارای کارایی واحد نمی باشد، رگرسیون صرف نظر از این مشاهدات برآورد گردید. لذا بدیهی است که شرکت‌های بکار گرفته شده در مدل رگرسیونی کمتر از نمونه خواهد بود. بنابراین ۱۲۰ شرکت برای برآورد رگرسیون، وارد مدل رگرسیونی شده و معادله رگرسیونی زیر حاصل گشته است. شرکت شماره ۹۷ دارای امتیاز کارایی معادل ۰,۹۹۹ می باشد که مدل رگرسیونی این عدد را برابر ۱ در نظر گرفته است. بنابراین شرکت‌های وارد شده در مدل رگرسیونی برابر ۱۲۰ شرکت می باشد.

$$Y = 0.335 + 0.186 X_1 + 0.122 X_3 + 0.025 X_4 + 0.314 X_5 - 0.189 X_6 - 0.48 X_7 - 0.15 X_8$$

$X_1$  = مجوز کسبی،  $X_3$  = سابقه بازپرداخت،  $X_4$  = دارایی جاری به دارایی ثابت،  $X_5$  = نرخ بازده داراییها،  $X_6$  = وام

کوتاه مدت به مجموع دارایی،  $X_7$  = وام کوتاه مدت به فروش خالص،  $X_8$  = نسبت کل بدهیها به مجموع داراییها.

کارایی افزوده شده و رتبه کارایی کاهش می یابد. عکس این استدلال در خصوص نهاده ها نیز صادق می باشد. بنابراین با توجه به نتایج آزمون فوق می توان دریافت که نهاده ها و ستانده ها به درستی انتخاب شده اند و نشان دهنده این حقیقت هستند که مدل تحلیل پوششی داده ها به صورت موفق برای ۷ نسبت از ۸ نسبت مذکور معنادار بوده است. همچنین معادله رگرسیون فوق، یک تقریب خطی از نتایج مدل تحلیل پوششی داده ها می باشد. شایان ذکر است که چنانچه مجموعه معادلات به قدر کافی بزرگ باشند، آنگاه می توان از این معادله برای رتبه بندی و ارزیابی متقاضی جدید وام بدون نیاز به سایر مراحل استفاده نمود.

با توجه به خروجیهای تجزیه و تحلیل رگرسیون، مشاهده می شود که میزان همبستگی متغیر ریسک اعتباری ( $Y$ ) در یک ترکیب خطی با متغیرهای وارد شده در معادله برابر با ۰,۸۶۹ می باشد. ( $R^2$ ) برابر ۰,۷۵۵ بیانگر قدرت بالای توضیح دهندگی رگرسیون است. همچنین آماره  $F$  جدول تحلیل واریانس معنادار بوده که به معنای وجود رابطه صحیح میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می باشد. با آزمون فرضیه معنادار بودن ضرائب که در آن فرضیه  $H_0$ ، به معنای بی تاثیر بودن ضریب مربوطه در رتبه کارایی است، تمامی متغیرها به جز یک شاخص "ارزش ویژه به دارایی کل" بر مسیرهای مورد انتظار قرار داشته و از نظر آماری، با ۹۵٪ اطمینان<sup>۱</sup> معنادار می باشند. با توجه به تعریف کارایی، در صورت افزایش ستانده بر میزان

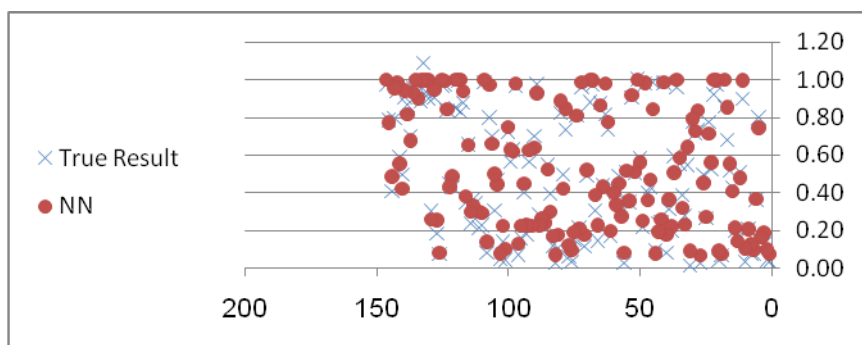
<sup>۱</sup>  $\alpha = 0.05$

## ۵- بررسی و مقایسه دو مدل تحلیل پوششی

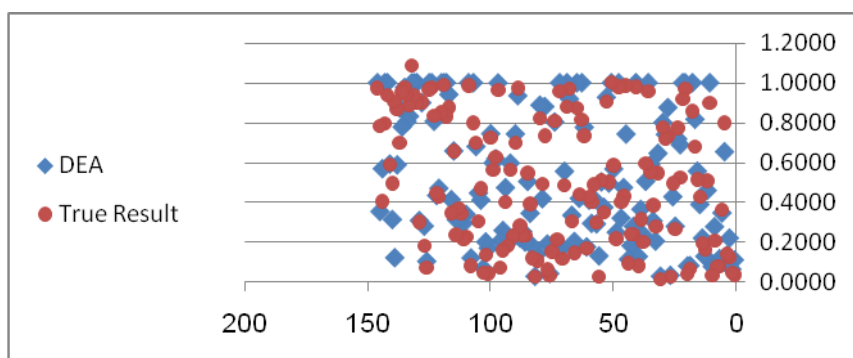
### داده ها و شبکه عصبی

در این پژوهش مقادیر واقعی ریسک اعتباری هر مشتری بر اساس سابقه های اعتباری مشتری ( سابقه های مربوط به بازپرداخت یا عدم بازپرداخت اصل و سود وامهای گرفته شده از بانک) مشخص شده است. هر چقدر نرخ عدم بازپرداخت اصل و سود وامهای گرفته شده یک مشتری بیشتر باشد درجه ریسک او نیز بیشتر خواهد بود. ساده ترین روش برای بررسی میزان خطا و صحت امتیازات حاصل از مدل تحلیل پوششی داده ها علاوه بر تجزیه و تحلیل رگرسیون، استفاده از ماتریس اغتشاش<sup>۱</sup> می باشد که صرفاً از جدول بندیهای ضربدری طبقه بندی صحیح در مقابل طبقه بندی پیش بینی شده استفاده می

نماید. با توجه به این موضوع، ماتریس خطای کل (خطای نوع اول<sup>۲</sup>+خطای نوع دوم<sup>۳</sup>) برابر با ۱۷/۸٪ می باشد و بنابراین مدل تحلیل پوششی داده ها توانسته است با کارایی برابر ۸۲/۲٪ به تخمین ریسک اعتباری بپردازد. همانطور که با مقایسه برآوردهای حاصل از شبکه عصبی و نتایج واقعی نیز مشاهده می شود شبکه عصبی با خطایی برابر ۵/۰۵٪ توانسته است با کارایی برابر ۹۴/۹۵٪ مشاهدات را منطبق بر واقع برآورد نماید که این امر نشانگر توانایی زیاد شبکه عصبی در پیش بینی ریسک اعتباری مشتریان است. در نمودارهای ۴ و ۵ نتایج حاصل از مدل شبکه عصبی و تحلیل پوششی داده ها در مقایسه با نتایج واقعی نمایش داده شده است.



نمودار ۳. مقایسه نتایج حاصل از مدل شبکه عصبی و نتایج واقعی



نمودار ۴. مقایسه نتایج حاصل از مدل تحلیل پوششی داده ها و نتایج واقعی

<sup>۱</sup>Misclassification

<sup>۲</sup> برابر است با حاصل تقسیم شرکتیهای که دارای مطالبات معوق بوده و مدل آنها را کارا معرفی نموده بر تمامی شرکتیهای که دارای مطالبات معوق بوده اند.  
<sup>۳</sup> برابر است با حاصل تقسیم شرکتیهای که دارای مطالبات معوق نبوده و مدل آنها را ناکارا معرفی نموده بر تمامی شرکتیهای که مطالبات خود را تسویه نموده اند.

## ۶- گروه بندی مشتریان حقوقی از نظر رتبه اعتباری

در این مقاله سعی شده است با استفاده از الگوی موسسه فیچ به گروه بندی (رتبه بندی) مشتریان حقوقی بانک تجاری پرداخته شود. جدول ۲ نشانگر ۸ گروه مشتری حقوقی با رتبه های اعتباری بدست آمده از دو روش تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی و همچنین رتبه اعتباری حاصل از نتایج واقعی است. با توجه به نتایج بدست آمده، روش تحلیل پوششی داده ها در مقایسه با

نتایج واقعی توانسته است ۹۸,۴۷٪ از رتبه بندی اعتباری شرکتهای حقوقی رامنطبق بر نتایج واقعی برآورد نماید. در مقابل شبکه عصبی توانسته است با تخمین صحیحی معادل ۹۸,۸۱٪ به رتبه بندی اعتباری شرکتهای حقوقی متقاضی وام پردازد. در جدول ۲ و نمودار ۶ رتبه بندی اعتباری شرکتهای متقاضی وام با استفاده از دو روش بکاررفته در این مطالعه و رتبه بندی حاصل از نتایج واقعی ارائه گشته است.

جدول ۲. رتبه بندی اعتباری شرکتهای حقوقی

تعاریف	رتبه اعتباری	رتبه بندی حاصل از DEA	رتبه بندی حاصل از NN	رتبه بندی حاصل از نتایج واقعی
این گروه بهترین کیفیت را از نظر بازپرداخت سود و اصل آن داراست و از کمترین ریسک سرمایه گذاری برخوردار می باشد.	AAA	٪۱۸	٪۱۴	٪۱۵
گروه دوم از کیفیت بالا برخوردارند و تفاوت آنها با گروه پیشین در این است که حاشیه امنیتشان به گستردگی گروه قبلی نیست و ریسک بلند مدت آن مقداری بیشتر می باشد. در داخل گروه از بالا به پایین از دورنمای ضعیف تری برخوردارند.	AA <sup>+</sup> AA AA <sup>-</sup>	٪۱۱	٪۱۶/۵	٪۱۴
این گروه شرایط مطلوبی دارند. از لحاظ بازپرداخت اصل و فرع از شرایط مناسبی برخوردارند اما امکان دارد در اثر بروز اتفاقاتی دچار مشکل گردند. از بالا به پایین در داخل گروه شرایط بدتر می شود.	A <sup>+</sup> A A <sup>-</sup>	٪۴/۷	٪۴/۷	٪۶/۸
این گروه از درجه متوسط محسوب شده و از نظر بازپرداخت اصل و فرع به نظر کافی می آیند اما در دراز مدت ممکن است دچار مشکل گردند. در داخل گروه از بالا به پایین شرایط نامطلوبتر می شود.	BBB <sup>+</sup> BBB BBB <sup>-</sup>	٪۴/۱	٪۵/۴	٪۳/۴
ریسک این گروه بالا بوده و از نظر بازپرداخت اصل و فرع از تضمین خوبی چه در حال حاضر و چه در آینده برخوردار نبوده و در واقع دارای نوعی عدم اطمینان می باشند.	BB <sup>+</sup> BB BB <sup>-</sup>	٪۸/۲	٪۷/۵	٪۷
این گروه از نظر تضمین بازپرداخت اصل و فرع در شرایط مطلوبی قرار ندارند و فاقد مشخصه های یک سرمایه گذاری مطلوب می باشند.	B <sup>+</sup> B B <sup>-</sup>	٪۹/۵	٪۹/۵	٪۱۱/۳
با در حالت نکول قرار داشته و یا بازپرداخت اصل و فرعشان دارای خطرات بسیاری است و در اغلب موارد نکول شده و در حالت ورشکستگی قرار دارند.	CCC CC C	٪۸/۹	٪۷	٪۷/۵
این گروه در بدترین شرایط از نظر باز پرداخت اصل و فرع وام قرار دارند.	DDD DD D	٪۳۵	٪۳۵	٪۳۵

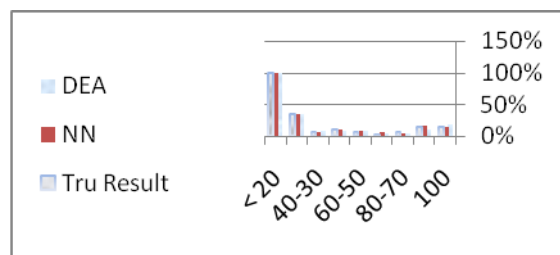


ضرائب مستقل مدل حاکی از تایید نظریه های اقتصادی و مالی در زمینه عوامل تعیین کننده ریسک اعتباری می باشد. بر اساس ضرائب رگرسیونی بدست آمده، متغیرهای دارای جاری به ثابت، نرخ بازده داراییها، مجوز کسبی و سابقه بازپرداخت دارای رابطه مستقیم با کارایی و رابطه معکوس با ریسک اعتباری و رتبه اعتباری می باشند. در نتیجه بزرگ بودن شاخصهای ذکر شده مطلوب تلقی می گردد. شاخصهای وام کوتاه مدت به مجموع داراییها، وام کوتاه مدت به فروش خالص و کل بدهی به مجموع دارایی براساس ضرائب بدست آمده، رابطه معکوسی با میزان کارایی و رابطه مستقیم با ریسک اعتباری و رتبه اعتباری دارند و بدیهی است که کمتر بودن این شاخصها مطلوب می باشد. از میان متغیرهای بکار گرفته شده در این مدل، شاخص وام کوتاه مدت به فروش خالص دارای بالاترین ضریب رگرسیونی و بیشترین اثر بر ریسک اعتباری بوده و شاخص دارایی جاری به دارایی ثابت، کمترین میزان تاثیر بر ریسک اعتباری را داشته است.

(۲) در این پژوهش، دو مدل تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی جهت پیش بینی و رتبه بندی اعتباری مشتریان حقوقی متقاضی وام بانکی بکار گرفته شده اند. با مقایسه یافته های حاصل از دو مدل در دو مرحله نتایجی به شرح زیر بدست آمد:

(الف) مدل تحلیل پوششی داده ها توانسته است با کارایی برابر  $82/9\%$  به تخمین ریسک اعتباری بپردازد. همچنین شبکه عصبی با خطایی برابر  $5/05\%$  و با کارایی برابر  $94/95\%$  مشاهدات را منطبق بر واقع برآورد نمود که این امر نشانگر توانایی زیاد شبکه عصبی در پیش بینی ریسک اعتباری مشتریان است.

(ب) روش تحلیل پوششی داده ها در مقایسه با نتایج واقعی توانسته است  $98/47\%$  از رتبه بندی اعتباری شرکتهای حقوقی را منطبق بر نتایج واقعی برآورد نماید. در مقابل شبکه عصبی توانسته است با تخمین صحیحی معادل  $98/80\%$  به رتبه بندی اعتباری شرکتهای حقوقی



نمودار ۶. مقایسه رتبه بندی اعتباری حاصل از تحلیل پوششی داده ها، شبکه عصبی و نتایج واقعی

## ۷- جمع بندی و نتیجه گیری

اعطاء تسهیلات اعتباری به مشتریان از جمله مهمترین وظایف بانکها به شمار می رود. بانکها در هر کشور پس از جمع آوری منابع مالی، این منابع را به بخشهای مختلف اقتصادی تخصیص می دهند. در حقیقت این اقدام بانکها، بخشهای مختلف اقتصادی را در هر کشور در انجام بهتر وظایفشان تقویت و نهایتاً زمینه لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم می آورند. در صورتی بانکها می توانند به این مهم دست یابند که منابع مالی را به درستی به مشتریان واجد شرایط، تخصیص دهند. تخصیص درست منابع مالی ضمن دستیابی به هدف فوق زمینه لازم را برای ادامه حیات بانکها فراهم خواهد آورد. لیکن در این اقدام نکته حائز اهمیت آنست که قبل از اعطای تسهیلات به مشتریان واجد شرایط ریسک آنها به درستی تشخیص داده شود تا اثربخشی تصمیمات اتخاذ شده ارتقاء یابد. بدیهی است که هرگونه اقدام در زمینه کنترل پس از اعطاء تسهیلات کم فایده خواهد بود. با عطف توجه به نکات فوق، در این مقاله سعی گردید برای اولین بار یک مدل مدیریت ریسک اعتباری با بکارگیری روش تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی (از انواع روشهای آمار پارامتریک و ناپارامتریک) برای این منظور طراحی گردد. بطور کلی، نتایج حاصل شده از این تحقیق را با توجه به مساله اصلی پژوهش می توان به صورت زیر خلاصه نمود:

(۱) وجود رابطه معنی دار آماری متغیرهای مالی و غیر مالی موثر بر ریسک اعتباری مشتریان حقوقی بانک تجاری، تایید می شود. همچنین معنی داری و علامت

سیستم بانکی بازگردانده و بدین ترتیب باعث افزایش منابع مالی در اختیار بانکهاو بالتبع آن افزایش قدرت وام دهی، درآمد ملی و تولید ناخالص ملی گردد. همچنین با استقرار سیستم رتبه بندی اعتباری مشتریان، این امکان برای سیستم بانکی کشور فراهم می آید تا میزان و نوع وثیقه دریافتی از هر مشتری را براساس ریسک هر یک تعیین نماید و با توجه به میزان ریسک اعتباری هر مشتری نوع وثیقه تعیین شده به گونه ای باشد که قادر به پوشش ریسک اعتباری آنها گردد.

۳) براساس نتایج بدست آمده ایجاد سیستم نظارتی و کنترلی قوی جهت دریافت به موقع صورتهای مالی به منظور بررسی نسبتها و شاخصهای مالی مورد نیاز جهت استفاده در سیستم رتبه بندی اعتباری، به مبحثی قابل تامل تبدیل می گردد.

متقاضی وام بپردازد. از این رو می توان گفت که مدل شبکه های عصبی پرسپترون چند لایه در برآورد و پیش بینی کاراتر از مدل شبکه عصبی عمل می نماید. در هر حال با توجه به کاربری راحت مدل های تحلیل پوششی داده ها ملاحظه می شود که این روش نیز از کارایی بسیار بالایی در رتبه بندی اعتباری برخوردار می باشد.

۳) آزمایای مدل تحلیل پوششی داده ها نسبت به سایر مدل های ارزیابی ریسک اعتباری، می توان به توانایی این مدل در ارایه راحلهایی جهت بهره وری شرکتهای متقاضی وام اشاره نمود. تحت رویکرد تحلیل پوششی داده ها هم می توان به رتبه بندی مشتریان حقوقی بانک پرداخت و هم با شناسایی بنگاههای مرجع برای هر یک از بنگاههای ناکارا آنها را به مرز کارایی رساند. در حقیقت این مدل قادر است با ارایه راهکارهای مناسب و مفید، شرکتهای رتبه بندی شده را در راستای بهره ورتر شدن یاری دهد.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق حاضر، به منظور افزایش کارایی سیستم بانکی کشور، پیشنهادات مقاله را می توان به شرح زیر مطرح نمود:

۱) با توجه به اینکه برای ایجاد، توسعه و بهبود مدل های ریسک اعتباری داشتن اطلاعات مالی و اقتصادی روزآمد نقش مهم و اساسی ایفا می نماید، لذا برخورداری از بانک اطلاعاتی مشتریان و بنابراین طراحی و تنظیم سیستم کارآمد اخذ اطلاعات اعتباری به عنوان یکی از ابزارهای پایه مطرح است. براین اساس پیشنهاد می شود که بانکها نسبت به ایجاد چنین بانک اطلاعاتی اقدام نمایند.

۲) با توجه به روند فزاینده سهم مطالبات معوق از کل مطالبات بخش غیر دولتی، استقرار سیستم رتبه بندی اعتباری مشتریان، بانکها را در تخصیص بهینه منابع و تسهیلات مالی خود یاری می دهد. تحت این سیستم تسهیلات به مشتریان مطلوب تخصیص می یابد. مشتری مطلوب مشتری است که ضمن هزینه نمودن تسهیلات دریافتی در بخشهای مختلف اقتصادی آنرا به

۸- منابع و ماخذ

16. Bryant K (2001) " ALLES: an agricultural loan evaluation expert system", Expert system with application,21:75-85.
17. Lee TS et al (2002) " Credit Rating using a hybrid neural discriminant technique", Journal of Expert systems with applications; 23:245-254.
18. Lee TS and Chen IF (2005) "A two-stage hybrid credit Rating model using artificial neural networks and multivariate adaptive regression alpiners" Expert system with application; 28:743-752.
19. Abdou H et al(2007) " Neural nets versus conventional techniques in credit Rating in Egyptian banking" Expert system with application;doi:10.1016/j.eswa.08.030.
20. Huang JJ et al (2006) "Two-stage genetic programming (2SGP) for the credit Rating model", Applied mathematics and computation; 174:1039-1053.
21. Lung Huang C et al(2007) " Credit Rating with a data mining approach based on support vector machines" Expert system with application;32 :847-856.
22. Yeh Q.J (1996) "The application of data envelopment analysis in conjunction with financial ratios for bank performance evaluation ", European Journal of Operational Research society; 47(8): 980-988.
23. Emel AB et al (2003) "A credit Rating approach for the commercial banking sector", Journal of Socio-Economic Planning Sciences; 37:103-123.
24. Cheng EWL,Chaing YH,Tang BS(2007) "Alternative approach to credit Rating by DEA : evaluating borrowers with respect to PFI project" , Journal of Building and Environment,;42:1752-1760.
۲۵. آذر، عادل، مومنی، منصور(۱۳۸۵) «آمار و کاربرد آن در مدیریت»، تهران: انتشارات سمت.
۲۶. کیم جی آن(1378)، « کاربرد تحلیل عاملی در پژوهش اجتماعی همراه با دستورهای نرم افزار spss »، ترجمه مسعود کوثری، تهران: انتشارات سلمان، ص ۳۶.
۲۷. قلی زاده، محمد حسن(1383) « طراحی مدل رتبه بندی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از تحلیل پوششی داده ها »، رساله دکتری مدیریت مالی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ص ۲۲.
1. Gutman R (1994) "How credit money shapes the economy: the united state in a global system ", Armonk N.Y:M.E sharp; p: 10.
۲. جورج و شوری(۱۳۶۶) « تخصیص منابع»، تهران: انتشارات پایروس، ص ۴۵.
3. John B. Caouette, Edward I. Altman, Paul Narayanan (1998) "Management credit risk: the next grate financial challenge ": john wiley & sons, N.Y. p: 35.
4. Kiss France (2003) "Credit rating process from a knowledge management prospective ", Budapest university of technology and economics, P: 96-97.
5. Beaver W (1996) " Financial ratios as predictors of failure ", Journal of Accounting Research; 5:71-111.
6. Altman E et al (1968) "Financial ratios discriminate analysis and the prediction of corporate bankruptcy", the Journal of Finance; 4: 589-609.
7. Grice JS and Ingram RW (2001) "Test of the generalizability of Altman\*s bankruptcy prediction model", Journal of Business Research; 54:53-61.2001.
8. Allen J (1995) "A promise of approvals in minutes, not hours ", American banker, 28:23.
9. Roy B (1991) "The outranking approach and the foundation of ELECTRE methods ", Theory and Decision,; 31: 49-73.
10. Dimitras A.I et al (1999) "Business failure prediction using rough sets ", European Journal of Operational Research,7(3):263-280. 1999.
11. Treacy William F (1998) "Credit risk rating system at large U.S bank", Journal of Banking and Finance; 24:167-201.
12. Desai V.S (1996) "A comparison of neural networks and linear Rating models in the credit union environment", European Journal of Operational Research; 95:24-37.
13. West D (2000) "Neural network credit Rating models", Journal of Computers & Operations Research; 27:1131-1152.
14. Min JH and Lee YC (2007) "A practical approach to credit Rating", Journal of Expert systems with applications; doi:10.1016/j.eswa.08.070.
15. Yang ZR,Platt MB and Platt HD(2001) "Probabilistic neural networks in bankruptcy prediction , Journal of Business Research; Feb:67-74.

- application from economics”, Journal of applied statistics, vol.26”:8: 909-921.
30. Demuth, H, and Beale, M" Neural Network Toolbox for use whit MATLAB", The Math Works, User Guide, Version 4.
۲۸. مهرگان ، محمد رضا(1383) « مدل‌های کمی در ارزیابی عملکرد سازمانها » تهران : انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران ، ص ۸۰.
29. John C.B.Cooper(1999) ”Artificial neural network versus multivariate statistics: an